یادداشت

نگاهی به موانع قانونی مقابل برجام در نظام حقوقی امریکا

قوانین سه گانه ضدایران

دکتر احمد ترابی

مقدمه

در حالی کـه طرفین مذاکرات هسـته‌ای در وین به‌شدت در تلاش هسـتند تا سـرانجام به توافقی دسـت پیدا کنند و به نظر می‌رسـد که رسـیدن به این توافق حداقل در سـطحی محدود در دسـترس خواهد بود و آقای جو بایدن با قدرتی که در سیسـتم حقوقی امریکا دارد احتمالا می‌تواند به این توافق قدرت اجرایی ببخشد، مخالفان این توافق نیز در نظام سیاسـی امریکا صدای شـان را بلندتر کرده‌اند. از جمله ایـن مخالفت‌ها نامه ۳۳ سـناتور جمهوری‌خواه به رهبری سـناتور تد کروز سـناتور پر نفوذ از ایالت تگزاس که یکی از مخالفان دیرینه توافق هسـته‌ای ۲۰۱۵ برجام است، به آقای جو بایدن، رییس‌جمهور امریکاست که در آن گفته‌اند از همه گزینه‌ها و اهرم‌های موجود قانونی اسـتفاده خواهند کرد تا اطمینان حاصل کنند که دولت آقای بایدن به قوانین امریکا در خصوص هر گونه توافق با ایران پایبند می‌ماند.

سناتورها در این نامه هشـدار داده‌اند که اگر دولت آقای بایـدن به کنگره اجازه ندهد شـرایط هر گونه توافق جدید با ایران را بررسـی کند و به رای بگذارد، مانـع اجرای آن خواهند شـد. در سیسـتم حقوقی امریکا سه قانون مشخص تحریمی علیه ایران وجود دارند کـه عبارتند از: قانـون اینارا، قانون کاتسـا و قانون ایسا.

سـناتورهای جمهوری‌خـواه در اظهـارات مختلف اخیر خودشـان به وجود قوانین مهم شـامل قانون اینـارا Iran Nuclear Agreement Review Act (INARA) ۲۰۱۵ و نیـز قانـون کاتسـا 2017 Countering America's Adversaries Through Sanctions Act (CAATSA) اشـاره کرده‌اند که قانون اینارا در واقع پیش از تکمیل توافق اولیه هسـته‌ای با ایران تصویب شد و قانون کاتسـا بعد از تصویب برجـام و در دوره دولت آقای ترامپ در سال ۲۰۱۷ به تصویب رسیده است.

قانون اینارا امریکا را ملزم می‌کند که هر گونه «توافق» جدید مرتبط با برنامه هسته‌ای ایران برای یک دوره بازنگری ۶۰ روزه به کنگره فرستاده شود که طی آن کنگـره می‌تواند یک قطعنامه مشـترک عدم تایید تصویب کند که اساسا مانع از اجرایی شدن این توافق بشود. قانون کاتسا نیز در دوره ترامپ ضمن برشمردن تهدیدات مختلف ایران تحریم‌های مختلفی را علیه اشـخاص حقیقی و حقوقی ایران برقرار کرده است. علاوه بر قوانین مذکور، قانون ایسا ISA (که در ایران به نام قانون داماتو شناخته شده است) نیز تحریم‌های مشخصی را علیه سرمایه‌گذاری در بخش نفت و گاز ایران وضع کرده است. البته باید اضافه کنم که جدای از قوانین سه گانه مذکور فرامین و دستورات اجرایی ریاست‌جمهوری امریکا نیز متعاقب تصویب قوانین مذکور یا حتی جداگانه تحریم‌هایی را علیه ایران وضع کرده‌اند که این دسـتورات در نظـام حقوقی امریکا تا زمانی کـه مغایرت آنها با قانون اساسـی امریکا یا بسـیاری از قوانین موضوعه امریکا در مراجع صالحه مانند دیوان عالی فدرال ایالات متحده اثبات و نقض نشده‌اند، قدرتی همتراز قانون دارند.

اما اشاره کنم که اخیرا نیز طرحی از سوی سناتورهای برجسـته دو حزب دمکرات و جمهوری خواه به ویژه آقایان باب منندز Bob Menendez سـناتور پر نفوذ حزب دموکـرات از ایالت نیوجرسـی و رییس کمیتـه روابـط خارجی در مجلس سـنا بـه همراه لیندسـی گراهام Lindsey Graham سـناتور ارشـد جمهوری‌خواه از ایالـت کارولینای جنوبی و رئیس کمیته قضایی مجلس سنا ارائه شده است که از آن به عنوان بانک سـوخت هسته ای Nuclear Fuel Bank یاد می شود و بر مبنای آن کشورهای خاورمیانه کـه قصد غنی سـازی دارنـد از ذخیره اورانیوم این بانک استفاده خواهند کرد.

در این مقاله ضمن کنکاش مبانی و محتوای سه قانون اینارا INARA و همچنین قانون کاتسا CAATSA و قانون ایسـا ISA، ایـن نکته را مورد بررسـی قرار خواهم داد کـه دولت آقای بایـدن در نهایی کردن مذاکراتش با ایران فقط نمی‌تواند به مشکلات امریکا با ایران در حوزه هسته‌ای و امتیازدهی و امتیازگیری توجه کند، بلکه فراتر از آن در حوزه داخلی نیز درگیر چالش‌های حقوقی خواهد شد که قانون اینارا و قانون کاتسا و قانون ایسا و سایر قوانین تحریمی و فرامین اجرایی ریاست‌جمهوری برای دولت امریکا به وجود خواهد آورد و در واقع اگرچه سرنوشت انعقاد توافق جدید بنابر خواسـت و قدرت سیاسـی و اختیارات ریاست‌جمهوری دولت بایدن شکل می‌گیرد ولیکن تداوم و بستر حقوقی آن در حوزه حقوق داخلی امریکا از مسـیر قانون اینارا و قانون کاتسـا و سایر قوانینی خواهد گذشت که مسیری سـخت و پرچالش برای هر دولتـی در امریکا خواهد بـود و اندازه‌گیری این چالش‌ها در محاسـبات طرفین هر توافقی ضروری می‌نماید.

قسمت اول - قانون اینارا

قانـون اینـارا (Iran Nuclear Agreement Review Act (INARA قانونی اسـت که در ماه مه‌سال ۲۰۱۵ به تصویب کنگره امریکا رسیده است. کنگره امریکا قانون موسـوم به «اینارا» را در سـال ۲۰۱۵ برای نظارت نهاد قانونگـذار امریکا بر توافق هسته‌ای دولت امریکا با ایران و به منظور جلوگیری دولـت امریـکا از دسـتیابی دولت ایران به سـلاح هسته‌ای به تصویب رساند. برخی بندهای این قانون، رییس‌جمهور امریکا را ملزم به گزارش‌دهی به کنگره درباره پایبندی ایران به برجام می‌کنند.

لایحه اینارا در سنا با ۹۸ رای موافق به تصویب رسید و تنها سـناتور تام کاتـن Tom Cotton از ایالت آرکانزاس بود که بـه آن رای منفی داد. (رای منفی آقای کاتن نیز به این دلیل بود که او اساسـا اعتقادی به هیـچ گفت‌وگویی بـا ایران نداشـت و هیچ گونه معاملـه‌ای با ایران را تایید نمی‌کـرد و بنابر این رای منفی آقای کاتن نه از باب اعتقاد یا علاقه به مذاکره با ایران بلکه برعکس از باب این اعتقاد بود که دولت امریـکا باید باب هر گونه مذاکره بـا ایران را ببندد).

به هر حال، پس از تصویب لایحه در مجلس سـنا در ۱۴ مـه ۲۰۱۵ لایحه بـا ۴۰۰ رای به ۲۵ در مجلس نمایندگان نیز به تصویب رسـید. در آن زمان باراک اوباما رییس‌جمهوری امریـکا تهدید کرد که لایحه مزبور را وتو می‌کند، اما در نهایت نسخه‌ای که به کاخ سفید رسـید هم از حمایت کافی دموکرات‌ها و هم جمهوری‌خواهان برخوردار بود بـه نحوی که آقای اوباما از وتوی آن منصرف شد.

بر اساس قانون بازنگری توافق هسته‌ای ایران در سال 2015 (INARA)، رییس‌جمهـور باید هر ۹۰ روز یک بار گواهینامـه‌ای را برای کنگره صادر کند که با عملکرد ایران در توافق هسته‌ای چندجانبه موسوم به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) مرتبط باشد و نشان بدهد که ایران طبق توافق به عمل آمده رفتار می‌کند و عدم صدور گواهینامه به کنگره این امکان را می‌دهد که قوانینی را برای بازگرداندن تحریم‌های ایالات متحده که تحت موافقتنامه برجام لغو یا تعلیق شده‌اند، در یک برنامه تسریع شده معرفی کند.

اما این قانون مبانی قانونی دیگری دارد که بر اساس آنها شـکل گرفته است و در جریان مباحثات مربوط به تصویب قانون نیز بر وجود آن قوانین تاکید شـد. در واقع باید گفت که مجموعه‌ای از قوانین در حوزه هسـته‌ای که برخی از آنها جنبـه تحریمی دارند و برخی ساختارهای انرژی هسـته‌ای امریکا را شکل می‌دهنـد پایه‌ها و مبانـی قانون اینـارا را به وجود آورده‌انـد که بدون مطالعه آنهـا نمی‌توانیم آن طور که لازم اسـت به جایگاه حقوقی تصویب قانون اینارا و عواقب و تبعات حقوقی آن پـی ببریم. لذا در ابتدا مبانی حقوقی این قانون را در حوزه قوانین هسته‌ای امریکا مورد بررسی قرار خواهیم داد.

۱- قانون انرژی اتمی امریکا Atomic Energy Act مصوب ۱۹۴۶ با اصلاحات ۱۹۵۴

قانون انرژی اتمی امریکا اولین مبنای حقوقی وضع قانون اینارا‌سـت. توضیح اینکه تـا قبل از تصویب قانون انرژی اتمی امریکا کلیه فعالیت‌های هسته‌ای در امریکا توسـط دولت فدرال صورت می‌گرفت و بخش خصوصی از دخالت در این حوزه ممنوع بود. قانون انرژی اتمی امریکا Atomic Energy Act در واقع اولین قانون در حوزه انرژی اتمی امریکاست که در سـال ۱۹۴۶ تصویب شد و چگونگی تنظیم، توسعه و دفع مواد و تاسیسـات هسته‌ای را توسط کلیه نهادهای دولتی و خصوصی تحت پوشش قرار می‌دهد. اما در سـال ۱۹۵۴ در قانون انرژی اتمی امریکا اصلاحاتی صورت گرفت که جنبه‌های خاصی از قانون، از جملـه افزایش حمایت از امکان صنعت هسـته‌ای غیرنظامـی را به‌طور قابـل ملاحظه‌ای اصلاح کرد. قانون مزبـور همچنین به نقش بخش خصوصی در عرصـه صنعت هسـته‌ای پرداخته و به دولت اجازه داده اسـت تا شـرایطی فراهم آورد که به شـرکت‌های خصوصی اجازه دهد اطلاعات فنی لازم در مورد تولید انرژی هسته‌ای را به دست بیاورند و فراتر از آن به تبادل اطلاعات هسـته‌ای با کشـورهای خارجی بپردازند. در سـال ۱۹۵۹ هم بخش ۲۷۴ به قانون انرژی اتمی امریکا اضافه شـد که بر مبنای آن دولت فـدرال بتواند بخش‌هایی از اختیارات نظارتی خود را به ایالت‌ها واگذار کند. این اصلاحات این امکان را برای ایالت‌ها فراهم کرد که بتوانند در حوزه هسـته‌ای به‌طور مستقل فعالیت کرده و مجوزهای لازم را برای شرکت‌های فعال در این حوزه صادر کنند.

۲- قانون ساماندهی انرژی Energy Reorganization Act مصوب ۱۹۷۴

دومیـن قانونی کـه مبنای حقوقـی تصویب قانون «اینـارا» اسـت، قانون سـاماندهی انـرژی ۱۹۷۴ امریکاست. این قانون در واقع به دنبال بحران انرژی سـال ۱۹۷۳ و برای پیـش بینی و در نظـر گرفتن راهکارهای مناسب برای مقابله با چنین بحران‌هایی و با تلاش‌های نیکسون رییس‌جمهوری وقت ایالات متحـده در اکتبر ۱۹۷۴ تصویب شـد. البته اگرچه تلاش‌های نیکسـون منجر به تصویب این قانون شد ولی قابل ذکر اسـت که امضای نهایـی قانون زمانی صورت گرفت که معـاون او آقای جرالد فورد پس از استعفای نیکسون به دلیل قضیه واترگیت به عنوان رییس‌جمهور در کاخ سـفید بود و قانون ساماندهی انرژی در نهایت به امضای جرالد فورد رسـید. به هر حال هدف قانون سـاماندهی انـرژی طبق آنچه در بخش دوم راجع به اهداف قانون ذکر شـده، تجمیع فعالیت‌های مختلف در حـوزه انرژی ایالات متحده است. قانون ساماندهی انرژی فعالیت‌های انرژی در ایالات متحده را دو بخش کرده است. بخش اول شامل فعالیت‌های غیرهسـته‌ای است که به همین منظور سازمانی را به نام سازمان تحقیق و توسعه انرژی Energy Research and Development Administration (ERDA) بـه وجـود آورد. بنابـر ایـن تنظیـم مقـررات و چگونگـی فعالیت‌هـا و بـه عبارتی سیاسـت‌ها در حوزه انرژی غیر هسـته‌ای در این سـازمان رد یابی می‌شـود. بخش دوم ایـن قانون تنظیـم مقررات و سیاسـت‌های توسـعه‌ای در حوزه انرژی هسته‌ای اسـت که بر این اسـاس، قانون سـاماندهی انرژی کمیسیونی به نام تنظیم مقررات هسته‌ای در امریکا Nuclear Regulatory Commission (NRC) به وجود آورد که کمیسـیون بسیار مهمی در حوزه انرژی هسته‌ای امریکا محسوب می‌شود و مسوولیت تولید و توسعه سلاح‌های هسته‌ای و همچنین تنظیم و توسعه مقررات ایمنی در حوزه استفاده غیر نظامی از انرژی هسته‌ای را بر عهده دارد.

همین کمیسـیون NRC در بیانیه‌ای قانون انرژی اتمـی ۱۹۵۴ را به عنـوان «قانون اساسـی ایالات متحده در مورد اسـتفاده غیرنظامی و نظامی از مواد هسته‌ای» توصیف کرده است. NRC در واقع تنظیم سیاسـت‌های کلان امریکا را در حوزه هسـته‌ای در سطح داخلی و بین‌المللی بر عهده دارد و از مبانی مهم قانونی است که بارها در جلسـات مربوط به مسائل هسته‌ای امریکا به گزارش‌های آن استناد می‌شود و هر قانون جدیدی در حوزه هسـته‌ای بر مبنای این گزارش‌ها شکل می‌یابد.

۳- قانون منع گسترش سـلاح‌های هسته‌ای Nuclear Nonproliferation Act مصـوب ۱۹۷۸

سـومین قانون مبنایی بـرای تصویب قانـون اینارا قانون منع گسـترش سلاح‌های هسـته‌ای ۱۹۷۸ اسـت. این قانون مهـم در حوزه هسـته‌ای در دوره ریاسـت‌جمهوری جیمی کارتر به تصویب رسـید و محتوای آن متمرکز بر تهدیداتی است که گسترش سلاح‌های هسته‌ای ممکن است برای منافع امنیتی ایالات متحده و صلح جهانی و توسعه کشورها در بر داشته باشد.

قانون منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای چند محور عمده را به عنوان روش‌های دسـتیابی به هدف منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای پیش بینی کرده است که اهم آنها عبارتند از:

اولا- امریـکا بایـد تضمین‌های عرضه سـوخت را با کشـورهای در حال توسـعه از طریـق ابتکارات بین‌المللی دنبال کند.

ثانیا- امریکا باید به دنبال تضمین لازم برای اعمال کنترل‌های بین‌المللی بر انتقال و اسـتفاده از مواد، تجهیزات و فناوری هسته‌ای برای مقاصد صلح‌آمیز برای جلوگیری از اشـاعه سلاح‌های هسته‌ای باشد. از جملـه کنترل‌های بین‌المللـی ایجاد تحریم‌های بین‌المللی مشترک است.

ثالثا- از سوی دیگر امریکا باید اقدامات و رویه‌هایی را دنبال کند که اطمینان حاصل کند کشورهایی که به سیاست‌های منع اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به‌طور موثر پایبند هستند رآکتورهای هسته‌ای و همچنین سوخت هسته‌ای مناسـب برای آنها فراهم می‌شود و ایـالات متحده بـا ایجاد رویه‌هایی برای تسـهیل رسـیدگی به درخواسـت‌ها برای ترتیبات بعدی و صادرات، پایبند باشد.

رابعا- امریـکا باید با کشـورهای خارجی دیگر در شناسـایی و تطبیق فناوری‌های مناسب برای تولید انرژی و به‌ویژه شناسایی گزینه‌های جایگزین برای انرژی هسـته‌ای جهـت رفع نیازهای انـرژی خود، مطابق با منابع اقتصادی و مادی آن کشـورها، برای حفاظت از محیط زیست همکاری و مشارکت کند.

اگر بخواهم ترجمه و تفسـیر دقیق‌تری از این قانون بدهم این است که ایالات متحده سعی دارد در حوزه انرژی هسته‌ای رقیب پذیر نباشد و ضمن استفاده از ابزارهای لازم برای جلوگیری از گسترش سلاح‌های هسـته‌ای، در حوزه‌هـای دیگر انرژی هسـته‌ای و صـادرات این نوع انرژی فعالیت بیشـتری داشـته باشـد و سـایر رقبا را کنار بزنند. البته اینکه امریکا تا چه اندازه اهداف ذکر شـده در این قانون را توانسته دنبال کند و محقق سـازد بحث دیگری است ولیکن منظـور از بیان این قانون آن اسـت کـه دولت‌های مستقر در ایالات متحده بر اساس قوانین فدرال (که برای هـر دولتی لازم‌الاتباع اسـت) مکلف به دنبال نمودن سیاسـت‌هایی هسـتند که در قانون مذکور ذکر شده است.

قابل توجه اسـت که قانون اینارا هم بـه این دلیل با اکثریـت آرای دموکرات‌هـا و جمهوری‌خواهان به تصویب رسید که به ویژه دموکرات‌ها تصویب قانون مذکور را گامی مهم در اجرای قانون منع گسـترش سلاح‌های هسته‌ای می‌دانستند.

۴- قانون سیاست زباله‌های هسته‌ای Nuclear Waste Policy Act مصوب ۱۹۸۲

قانون سیاست زباله‌های هسـته‌ای قانونی است که برنامه جامع ملی را برای دفع ایمن و دایمی زباله‌های بسیار پرتوزا پیش بینی کرده است. این قانون به دلیل آن وضع شـد که اصولا هیچ قانونی بـرای مدیریت دفع زباله‌های هسـته‌ای وضع نشده بود در حالی که بیشتر زباله‌های هسته‌ای در واقع از تولید سلاح‌های هسته‌ای به دست می‌آیند. قانون سیاست زباله‌های هسـته‌ای در واقع یک جدول زمانی و روشی را برای ایجاد یک مخزن دایمی و زیرزمینی برای زباله‌های پرتوزا تا اواسط دهه ۱۹۹۰ پیش بینی کرد. اما البته دولت‌های ایالتی مجاز بودند تصمیم دولت ملی مبنی بر قرار دادن مخزن زباله در داخل مرزهای خود را وتو کنند و این وتو هنوز هم پابرجاست مگر اینکه هر دو مجلس کنگره به لغو آن رای دهند. این نکته هم قابل ذکر است که کنگره مسـوولیت مکان‌یابی، ساخت، راه‌اندازی و بسـتن مخزن دفع سـوخت هسـته‌ای مصرف‌شـده و زباله‌هـای رادیواکتیو سـطح بالا را به وزارت انـرژی ایالات متحده واگذار کرده اسـت. گزارش‌هایـی هم وجود دارد که کشـورهای دارای توانایی هسـته‌ای بالا از جمله امریکا زباله‌های خود را در مناطق مختلفی از دنیا دفن کرده‌اند که موجب آلودگی‌های محیط زیستی در آن مناطق شده است.

۵- سایر قوانین متفرقه

قوانین دیگری هـم در حوزه انـرژی و حوزه انرژی هسـته‌ای وجود دارند کـه جزو مبانی قانـون اینارا محسـوب می‌شـوند. برخی از این قوانیـن به‌طور مسـتقیم و فقط بـه وضع مقـررات در ایـن حوزه پرداخته‌اند و برخی نیز به صورت غیر مسـتقیم و در حوزه‌های دیگر به وضع مقررات در حوزه هسته‌ای نیز پرداخته‌اند. مهم‌ترین این قوانین عبارتند از:

- **قانون اصلاحات سیاست زباله‌های رادیواکتیو سطح پایین مصوب ۱۹۸۵**
  Low-Level Radioactive Waste Policy Amendments Act
- **فصـل پنجـم قانون آییـن دادرسـی اداری مصوب ۱۹۴۶ با اصلاحات بعدی**
  Administrative Procedure Act

این قانون یکی از مبانی حقوق اداری و اساسی امریکا محسـوب می‌شـود و فصل پنجم آن به فرآیندهای ابلاغ و اطلاع‌رسانی در حوزه‌های امنیت ملی مرتبط می‌شـود که حوزه مسائل هسـته‌ای هم یکی از آنها محسوب می‌شود.

- **قانون سیاسـت ملی محیط زیسـت مصوب ۱۹۷۰** National Environmental Policy Act (NEPA)

به‌طور کلی ملاحظه می‌شـود چونکه مبنای قانون اینارا سیاسـت‌های ایالات متحـده در حوزه انرژی هسته‌ای و جلوگیری از گسترش و اشاعه سلاح‌های هسته‌ای توسط دیگر کشورها و کنترل و مدیریت این سلاح‌ها در داخل ایالات متحده است، نمی‌توان این قانون را منفردا و جدا از سـایر قوانین مرتبط تحلیل و تصور کرد که مشـکل فقط در اجرای همین قانون است، بلکه قانون اینارا مبانی دارد که سیاستمداران امریکایی اصولا بر اسـاس آن مبانی و سیاست‌های کلی هسـته‌ای امریکا بـا موضوعات هسـته‌ای و از جمله موضوع هسته‌ای ایران کار می‌کنند و تصمیم می‌گیرند.

قسـمت دوم - قانـون کاتسـا Countering America's Adversaries Through Sanctions Act

اما دومین قانون مهم که مستقیما به وضع تحریم‌های کلان علیه ایران مبادرت کرده قانون مقابله با دشمنان امریکا از طریق تحریم‌ها موسوم به کاتسا CAATSA مصوب ۲۰۱۷ است.

این قانون در ابتدا با عنـوان قانون مقابله با اقدامات بی‌ثبات‌کننده ایران Countering Iran's Destabilizing Activities Act نامیده می‌شـد و بنابر این فقط شـامل ایران می‌شد ولیکن در نهایت با توجه به اینکه قانونگذاران امریکا دو کشـور دیگر یعنی روسیه و کره شمالی را هم به لیست مزبور اضافه کردند به عنوان کنونی تغییر نام داد. این قانون ابتدا در مجلس سنا توسـط باب کروکر Bob Corker سناتور جمهوری‌خواه از ایالت تنسی مطرح شد ولی پشتیبانی مهم‌ترین اعضای حزب دموکرات را نیز به همراه داشت و جالب این است که این قانون هم مانند قانون اینارا در مجلس سـنا با رای قریب به اتفاق ۹۸ رای در مقابل تنها دو رای منفی آقایان برنی سـندرز Bernie Sanders سناتور معروف حزب دموکرات از ایالت ورمانت و خانم دایانا فاینسـتاین Dianne Feinstein سناتور معروف و با سابقه ایالت کالیفرنیا بـه تصویب رسـید. لایحه بـه مجلـس نمایندگان فرسـتاده شـد و در آنجا هم با تغییرات کمی با رای اکثریت قریب بـه اتفاق ۴۱۹ رای موافق در مقابل ۳ رای مخالف به تصویب نمایندگان آن رسـید. لایحه مجددا به مجلس سنا بازگشت و مجددا با همان رای ۹۸ به ۲ به تصویب سنا رسـید. منظور از بیان نحوه تصویـب قانون و جزییـات آرای موافق و مخالف آن است که متوجه باشیم اصولا لوایح تحریمی ایران در مجلسین نمایندگان و سنا تا چه اندازه از پشتیبانی اکثریـت هر دو حـزب دموکـرات و جمهوری‌خواه برخوردار هستند.

امـا اگر بخواهم بـه جزییات متن این قانون اشـاره کنم بایـد ابتدا به فصل اول این قانـون و مواد ۱۰۲ الی ۱۱۲ اشـاره کنم که به تحریم‌هـای علیه ایران اختصـاص دارد. طبق این مـواد تهدیدات ایران در چند دسـته طبقه‌بندی شـده‌اند که مهم‌ترین آنها عبارتنـد از: تهدیدات ایران در خاور میانه و شـمال آفریقا، تهدیدات برنامه موشکی ایران و همین طور موضوعات حقوق بشـری و سایر موارد. قانون کاتسا به دلیل تهدیدات مزبـور دو نوع از تحریم‌ها را علیه ایران در نظر گرفته است.

تحریم‌هـای دسـته اول تحریم‌هایـی هسـتند تکلیفـی یعنـی رییس‌جمهـوری امریـکا موظف اسـت تحریم‌هایی را به دلیل برنامه موشـک‌های بالسـتیک یا برنامه‌های سـلاح‌های کشتار جمعی و همچنیـن فروش یـا انتقال تجهیـزات نظامی به ایـران یا ارایه کمک‌های فنی یـا مالی مرتبط به آن را علیه ایران اعمـال کند. تحریم‌های دسـته دوم تحریم‌های اختیاری هسـتند که طبق آن در ماده ۱۰۶ به ریاسـت‌جمهوری امریکا اختیار داده شده کـه تحریم‌هـای حقوق بشـری را نیز علیـه ایران اعمال کند.

قسمت سوم - قانون ایسـا Iran Sanctions Act (ISA) **مصوب ۱۹۹۶**

اما در اینجا باید به وجود قانون تحریمی دیگری علیه ایران در نظام حقوقی امریکا اشـاره کنم که خودش می‌توانـد مانعی مهم بر سـر راه توافق هسـته‌ای با ایران محسوب شود و آن قانون تحریم ایران و لیبی Iran and Libya Sanctions Act مصـوب ۱۹۹۶ اسـت که اختصارا به نام ایلسا ILSA نامیده می‌شـود. این قانون با تلاش‌های آلفونسو دی آماتو Alfonse Marcello D'Amato سناتور حزب جمهوری‌خواه از ایالت نیویورک و در مجلس سنای امریکا ارایه شـد. قانون ایلسـا تحت الشعاع سقوط هواپیمای پان امریکن پرواز شماره ۱۰۳ بر فراز شهر لاکربی اسـکاتلند به دلیل انفجار در آن در دسامبر ۱۹۸۸ صورت گرفت که انگشت اتهام به سمت لیبی گرفته شـد (البته بعدها در سال ۲۰۰۳ لیبی رسما مسـوولیت آن انفجار را بر عهـده گرفت) ولیکن در زمان تصویـب مجازات‌های تحریمی علیه لیبی نام ایران هم به آن اضافه شـد. بعدها در سـال ۲۰۰۶ با تغییر سیاست هسته‌ای در لیبی، این کشور از موضوع قانون تحریم‌های ایلسـا خارج و از آن پس به قانون تحریم ایران ایسـا موسوم شـد. این قانون در ابتدا محدود به پنج سـال بود و چندین بار تمدید شد. اما در نهایت در اول دسامبر ۲۰۱۶، قانون ایسا برای ده سال دیگر تمدید شده است. به موجب قانون تحریم ایران هر گونه سرمایه‌گذاری بیش از ۴۰ میلیون دلار در سال برای توسعه بخش نفت و گاز در ایران توسط هر شرکتی در دنیا ممنوع است. با این توصیف و بنابر قانون ایسا سرمایه‌گذاری‌ها در حوزه نفت و گاز ایران به‌شدت محدود می‌شود.

نتیجه

وجود سه قانون تحریمی اینارا، کاتسا و ایسا در حوزه هسته‌ای، انرژی غیر هسته‌ای و امور دیگر غیر هسته‌ای به همراه بسیاری از دستورات اجرایی ریاست جمهوری در سیسـتم حقوقی امریکا خود به خود برای هر گونه توافقی بین هر دولتی در ایران و هر دولتی در ایالات متحده بازدارنده خواهد بود. دستورات اجرایی ریاست جمهوری قابلیت نقض راحت تری در سیستم حقوقی امریکا دارند ولیکـن قوانین مذکور عمـلا امریکا در چارچوبی قرار داده است که پتانسیل اعمال سیاست خارجی و دیپلماسی پویا را از آن کشور سلب نموده و راه رسیدن به یک راه حل سیاسی مرضی الطرفینی را در روابط بین المللی امریکا محدود می سازد. قوانین مذکور تا زمانی که در سیسـتم تقنینی امریکا نقض نشوند همچنان قابلیت اجرایی دارند. اگرچه و شاید سیاستمداران ارشد دو حزب امریکا تا حدودی متوجه این امر شده باشند و در صدد لغو و یا اصلاح آن قوانین برآمده باشند ولیکن باید اذعان داشت که طرح های آن سیاسـتمداران تا زمانی که متضمن پذیرش حق غنی سازی اورانیوم ایران مطابق معاهده NPT نباشد و منجر به لغو کلیه تحریم ها علیه ایران نشـوند برای ایران نیز نمی تواند قابل قبول باشد.

وجود سه قانون تحریمی اینارا، کاتسا و ایسا در حوزه هسته‌ای، انرژی غیر هسته‌ای و امور دیگر غیر هسته‌ای به همراه بسیاری از دستورات اجرایی ریاست جمهوری در سیستم حقوقی امریکا خود به خود برای هر گونه توافقی بین هر دولتی در ایران و هر دولتی در ایالات متحده بازدارنده خواهد بود. دستورات اجرایی ریاست جمهوری قابلیت نقض راحت تری در سیستم حقوقی امریکا دارند ولیکن قوانین مذکور عملا امریکا در چارچوبی قرار داده است که پتانسیل اعمال سیاست خارجی و دیپلماسی پویا را از آن کشور سلب نموده و راه رسیدن به یک راه حل سیاسی مرضی الطرفینی را در روابط بین المللی امریکا محدود می سازد. قوانین مذکور تا زمانی که در سیستم تقنینی امریکا نقض نشوند همچنان قابلیت اجرایی دارند. اگرچه و شاید سیاستمداران ارشد دو حزب امریکا تا حدودی متوجه این امر شده باشند و در صدد لغو و یا اصلاح آن قوانین برآمده باشند ولیکن باید اذعان داشت که طرح های آن سیاستمداران تا زمانی که متضمن پذیرش حق غنی سازی اورانیوم ایران مطابق معاهده NPT نباشد و منجر به لغو کلیه تحریم ها علیه ایران نشوند برای ایران نیز نمی تواند قابل قبول باشد.